

نقش میانجی سبک‌های هویت در ارتباط میان شیوه‌های والدگری ادراک شده و تصورات قالبی جنسیتی در دانشجویان تحصیلات تکمیلی

تاریخ دریافت: 1402/10/25 تاریخ پذیرش: 1403/3/27

منصور بیرامی^{1*}، امیر معروف صوفیان²، سهیل ابوسعیدی جیرفتی³، عباس بخشی پور رودسری¹

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: با تغییر وضعیت جهان، بسیاری از دانشجویان با شرایط جدیدی در فرآیند هویت‌یابی و درک تفاوت‌های بین‌فردی درگیرند که بر جنبه‌های مختلف زندگی آن‌ها تأثیر گذار است. هدف از اجرای پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی سبک‌های هویت در ارتباط میان شیوه‌های والدگری ادراک شده و تصورات قالبی جنسیتی در دانشجویان تحصیلات تکمیلی بود.

روش: طرح مطالعه حاضر توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش، کلیه دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز در سال 1402 بود که 206 نفر از آن‌ها با روش نمونه‌گیری در دسترس و با مدل کلاین تعیین حجم گردید. داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه‌های اقتدار والدینی بوری (1991)، پرسش‌نامه استفاده از تصورات قالبی جنسیتی رسول‌زاده‌ا قدم و همکاران (1395) و پرسش‌نامه سبک‌های هویت برزونسکی (1992) جمع‌آوری شدند و با استفاده از آزمون تحلیل مسیر تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین شیوه‌های والدگری ادراک شده و تصورات قالبی جنسیتی به صورت مستقیم به واسطه سبک‌های هویت رابطه وجود دارد. همچنین مدل پژوهش از برازش قابل قبولی برخوردار بود. سبک‌های والدگری ادراک شده با میانجی‌گری سبک هویت اطلاعاتی با تصورات قالبی جنسیتی رابطه داشت ($p < 0/01$). همچنین سبک‌های والدگری ادراک شده به واسطه میانجی‌گری سبک هویت سردرگم-اجتنابی با تصورات قالبی جنسیتی رابطه داشت ($p < 0/05$)؛ اما رابطه‌ای به شکل میانجی برای سبک هویت هنجاری دیده نشد ($p > 0/05$).

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نگاه نوینی برای درک پدیدآیی تصورات قالبی جنسیتی دانشجویان ارائه می‌دهد. مشاهده شد که سبک والدگری به صورت مستقیم و غیرمستقیم به واسطه سبک‌های هویت در میزان استفاده از تصورات قالبی جنسیتی دانشجویان نقش مهمی دارد.

کلمات کلیدی: والدگری ادراک شده، تصورات قالبی جنسیتی، سبک‌های هویت، دانشجویان.

1. استاد، گروه روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

*نویسنده مسئول: dr.bayrami@yahoo.com

2. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، گروه روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

3. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، گروه روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.



The mediating Role of Identity Styles in the Relationship between Perceived Parenting Practices and Gender Stereotypes in Graduate Students

Received: 2024/01/15 Accepted: 2024/06/16

Mansour Bayrami^{1*}, Amir Marouf Sofian², Soheil Abousaedi Jirofti³, Abbas Bakhshipour¹

Original Article

Abstract

Introduction: As the world constantly evolves, students encounter new situations and social differences that can affect various aspects of their lives. The present study aimed to investigate the potential mediating role of identity styles in the relationship between perceived parenting practices and gender stereotypes among graduate students.

Method: The research method employed in this study was descriptive-correlational. The statistical population consisted of all graduate students enrolled at Tabriz University in 2022, from which 206 individuals were selected using an available sampling method with the sample size determined based on Klein's model. To collect data, the Parental Authority Questionnaire, Identity Styles Questionnaire, and Gender Stereotypes Questionnaire were administered and analyzed using path analysis.

Results:

The findings revealed a direct relationship between perceived parenting styles and gender stereotypes, with the mediating role of identity styles. The research model was found to have an acceptable fit. Perceived parenting styles were significantly associated with gender stereotypes, with informational identity style acting as a mediator ($p < 0.01$). Moreover, there was a significant indirect relationship between perceived parenting styles and gender stereotypes through the mediating effect of the confused-avoidant identity style ($p < 0.05$). However, the normative identity style did not significantly mediate this relationship ($p > 0.05$).

Conclusion: The findings of this study provide valuable insights into the phenomenon of gender stereotypes among students. It was found that parenting styles directly and indirectly through identity styles significantly influence students' use of gender stereotypes. The findings highlight the importance of considering both direct and indirect factors in understanding how gender stereotypes develop and are perpetuated.

Keywords: Perceived Parenting Styles, Identity Styles, Gender Stereotypes, Students

1. Professor, Department of Psychology, Tabriz University, Tabriz, Iran.

*Corresponding author: dr.bayrami@ yahoo.com

2. M.A General Psychology Student, Department of psychology, Tabriz University, Tabriz, Iran.

3. M.A Clinical Psychology Student, Department of psychology, Tabriz University, Tabriz, Iran.

مقدمه

امروزه با وجود تلاش‌های بسیاری برای ایجاد برابری جنسیتی در سطح جهان، هنوز تبعیض جنسی و تصورات قالبی¹ جنسیتی در جوامع وجود دارد. این مسئله بر ابعاد گسترده‌ای از زندگی روزمره تاثیر می‌گذارد. با وجود افزایش آگاهی عمومی و تلاش‌های دولتمردان، برابری جنسیتی هنوز به‌طور کامل در جهان ایجاد نشده است؛ تبعیض جنسی و تصورات قالبی جنسیتی ناشی از آن هنوز وجود دارد و بر هر دو جنس اعمال می‌شود (پریاشانثا² و همکاران، 2023). انسان‌ها در هر زمان و مکانی با تصورات قالبی جنسیتی روبرو خواهند شد و این تصورات قالبی نه تنها بر عملکرد انسان، بلکه در روابط آن‌ها نیز اثر خواهد کرد (کولمایر³ و همکاران، 2018). از اولین موقعیت‌هایی که افراد با تصورات قالبی جنسیتی مواجه می‌شوند، محیط دانشگاهی است؛ دانشجویان با شرایط جدیدی مواجه می‌شوند و نیاز به خودتنظیمی و سازگاری با نیازهای جدیدتر در این شرایط را دارند. مطالعات نوین نشان دادند که رفتارهای همراه با سوگیری جنسیتی، جنسیت‌زدگی و رفتارهای همراه با تبعیض در مورد انسان در محیط‌های گوناگون شغلی، تحصیلی و اجتماعی می‌تواند منجر به استرس بین‌جنسی، انزوای اجتماعی، اضطراب و افسردگی شود (اسکامیلا⁴ و ساسا، 2020؛ نلسون⁵ و همکاران، 2023).

ویژگی شناختی نگرش انسان می‌تواند به‌صورت تصور قالبی تظاهر بیابد. کلیشه‌ها یا تصورات قالبی معمولاً به باورهایی گفته می‌شوند که متعلق به یک جمع مشخص مانند قومیت، شغل، جنس و... باشد. تصورات قالبی ریشه در تفاوت‌های واقعی بین گروه‌ها دارند. از آنجایی که کلیشه بر تفاوت تمرکز می‌کند، باعث تحریف باورها می‌شوند، به‌ویژه زمانی که گروه‌ها شبیه هم باشند (بردالو⁶ و همکاران، 2016). ادراک ما از موضوع یا انسان، ترکیبی از صفات واقعی و صفات منسوب به آن است؛ لذا فقط یک قسمت از ادراک، از ذخیره‌های ذهنی تشکیل شده است و بقیه بخش‌ها از تصورات درباره طبقه‌هایی که شی به آن منسوب شده است پر می‌شوند. (هینتون⁷، 2017). در صورت عمومیت ورزی یک صفت یا ویژگی منتج از این ادراک غلط از سوی فردی نسبت به گروه زنان یا گروه مردان، و عدم تغییر شکل آن، این قالب دادن را یک تصور قالبی جنسیتی می‌توان در نظر گرفت (دای⁸ و همکاران، 2022؛ هنتشل⁹ و همکاران، 2019؛ باسیتی و محتشمی، 1400). کلیشه‌ها می‌توانند عملکردی تطبیقی داشته باشند تا افراد آنچه را می‌بینند طبقه‌بندی و پیش‌بینی کنند. اما متقابلاً می‌توانند ارزیابی‌های نادرستی را نیز القا کنند. این ارزیابی‌های غلط می‌توانند به‌طور منفی یا مثبت بر انتظارات در مورد عملکرد افراد اثر کند و متعاقباً تصمیم‌گیری‌های وی را تحت تاثیر قرار دهند (هنتشل و همکاران، 2018).

شرح روشنی برای تبیین نقش تجارب تحولی، ویژگی‌های فردی، اثر فرهنگی و مکانیزم‌های آسیب‌پذیری بر تجلی سوگیری در رفتارهای فردی و جمعی وجود دارد (سیگره‌لیروس¹⁰ و همکاران، 2016). محققان کلیشه‌ها را نتیجه یک اشتباه ذهنی یا ادراک نادرست¹¹ از یک گروه اجتماعی که ناشی از عوامل مانند تربیت و انگیزه اجتماعی است می‌دانند (هینتون، 2017). عوامل تربیتی و شیوه‌های والدگری ادراک شده یکی از مهم‌ترین سازه‌هایی است که در سیر رشدی بر رفتارهای اجتماعی غلط مثل پرخاشگری بین‌جنسی انسان (دوی¹²، 2019) اثر می‌گذارد (افشاری، 1399) که می‌تواند عامل بروز رفتارهای تبعیض آمیز به شیوه‌های مختلف

1. Stereotypes
2. Priyashantha
3. Kollmayer
4. Escamilla
5. Nelson
6. Bordalo
7. Hinton
8. Dai
9. Hentschel
10. Sigre-Leiros
11. Misconception
12. Devi

مانند اهانت، قیاس و رجحان‌های غیرمنطقی در جهان واقع و فضای مجازی شود (رایت¹، 2020). مطالعات نشان داده است والدین مستبد فرزندان پرورش می‌دهند که در دوران تحصیل دچار مشکلات بین فردی و در بزرگسالی دچار اختلالات روان‌شناختی می‌شوند (پیرک² و همکاران، 2023). الگوی تعاملی این والدین اعمال محدودیت‌ها و تنبیه‌های سنگین است و از فرزند خود انتظار دارند که تابع رفتار والد باشند و کنجکاوی‌ها و عزت نفس آن‌ها را سرکوب می‌کنند (بامریند³، 1967). در مقابل والدین مقتدر و حامی، فرزندان معطف و اخلاقی پرورش می‌دهند (بامریند، 1967) و رضایت زناشویی بالایی در بزرگسالی تجربه می‌کنند (وو⁴ و همکاران 2021) و همواره رضایت زناشویی بالا با سوگیری شناختی پایین همراه است (دونگ⁵ و همکاران، 2022). قلیل بودن سوگیری‌های شناختی منجر به کاهش تفکرات کلیشه‌ای در سیر شناخت انسان می‌شود. والدینی که در برقراری ارتباط دموکراتیک‌تر هستند، به نوجوان استقلال می‌دهند تا درباره چیزی که مربوط به زندگی آنهاست فکر و عمل کند و جوانان را مرکز آموزش خانواده قرار دهند. از سویی دیگر سبک والدگری سهل‌گیر - به این معنی که فرزند را جدی نمی‌گیرند و خط مشی و محدودیت‌های ناچیزی بر رفتار او اعمال می‌کنند (بامریند، 1967) - نقش قابل توجهی در ایجاد رفتارهای اجتماعی پیش‌روی فرزند دارد. مادر سهل‌گیر یا مستبد به طور معنی‌داری فرزندان قلدری تحویل اجتماع می‌دهند (لوک⁶ و همکاران، 2016) و منجر به تخریب آگاهی هنگام انجام عمل می‌شود.

علاوه بر سبک والدگری و تاثیر آن بر شناخت اجتماعی انسان، سبک‌های هویت در برخورد با مسائل اجتماعی جایگاه پررنگی به خود اختصاص داده است. با این که حضور افراد در خانواده میتواند به آنان کمک کند که هویت خود را تشکیل دهند (محرپی و همکاران، 1402)، پژوهش‌ها نشان دادند که پذیرش تغییرات اجتماعی جهان با سبک‌های هویت ارتباط تنگاتنگی دارند (کولمایر⁷ و همکاران، 2018). طبق نظریه برزونسکی⁸ افراد با هویت اطلاعاتی افرادی با ذهن با هستند که برای پردازش وقایع دست به جستجو می‌زنند. هویت اطلاعاتی فرد به فراتر از خود سوق می‌دهد؛ بنابراین منافع جمعی را در نظر می‌گیرند و خودخواهی نشان نمی‌دهند (برزونسکی، 2022). افراد با سبک هویت اطلاعاتی بیشترین پذیرش نسبت به تغییرات اجتماعی و فرهنگی را دارند و متقابلاً سبک‌های هویت هنجاری و سردرگم - اجتنابی در مقابل تغییرات جهانی شدن⁹ جوامع مقاومت دارند (سانکو¹⁰ و لوس، 2019). افراد با هویت هنجاری دارای دیدگاه‌های متعصبانه بین فردی هستند، انعطاف‌پذیری بسیار پایینی دارند (برزونسکی، 2022) و به دیگران به شیوه‌ای کلیشه‌ای پاسخ می‌دهند؛ اما سبک هویت اطلاعاتی گشودگی بالایی در مقابل افراد جدیدی که با آن‌ها مواجه می‌شوند دارند (راجاگوپالردی¹¹ و وارگس، 2022). همچنین در تحقیقی دیگر، مشاهده شد که افراد با سبک هویت سردرگم - اجتنابی الگویی ناسازگار از رفتارهای بین فردی را در روابط خود نشان می‌دهند (اسمیتس¹² و همکاران، 2011). این افراد جهت‌گیری واکنشی اتخاذ می‌کنند. اعمال آنها عمدتاً به این بستگی دارد که با چه کسی و کجا هستند. تحقیقات نشان می‌دهد که آن‌ها نیاز کمی به شناخت، تعهدات ضعیف و ارزش‌های لذت‌گرایانه دارند و در مقابله با هیجان متمرکز استراتژی‌های تصمیم‌گیری ناکارآمد می‌گیرند. آنها وضعیت هویتی پراکنده ای دارند و خود را بر اساس دغدغه‌های اجتماعی مانند محبوبیت، شهرت و برداشت دیگران تعریف می‌کنند (برزونسکی، 2022).

1. Wright
2. Pirc
3. Baumrind
4. Wu
5. Dong
6. Luk
7. Kollmayer
8. Berzonsky
9. Globalization
10. Senejko
11. Rajagopalreddy
12. Smits

از دیگر سو روابط معنی‌دار بسیاری بین سبک‌های والدگری و سبک‌های هویت نشان شده است (جیمو¹ و همکاران، 2020؛ کلی²، دیوید و کاکس، 2020). برای مثال پژوهشی نشان داده که والدین پذیرا، باعث می‌شوند که افراد در آینده احساس خودکارآمدی بیشتری داشته باشند (گراوسکی³ و جانکوسکا، 2020). همچنین، شواهدی وجود دارد که تاکید بر اجرای قوانین سختگیرانه، اعمال کنترل‌های روان‌شناختی، تنبیه، وضع کردن انواع ممنوعیت و محدودیت، که مشخصه سبک فرزندپروری مستبدانه است را دارای تأثیر منفی بر خلاقیت بالقوه انسان در آینده می‌داند. این برخورد تمایل به کشف و کنجکاوی انسان را بازدارد می‌کند و باعث تعویق و اختلال در تحول هویت و سازگاری‌های اجتماعی می‌شود (فیرون⁴، کوپلند و ساکسون، 2013؛ لیان⁵ و همکاران، 2021)؛ با این حال مقدار مناسب کنترل رفتاری به شکلی انعطاف‌پذیر مانع از آزادی بیان کودک نمی‌شود (گراوسکی و جانکوسکا، 2020). متعاقباً کنترل روان‌شناختی والدین، تمایل به کشف و کنجکاوی انسان را بازدارد می‌کند و باعث تعویق در تحول هویت و سازگاری‌های اجتماعی می‌شود (لیان و همکاران، 2021).

پژوهش‌های قبلی رابطه بین انواع سبک‌های والدگری و تحول‌های شناختی-اجتماعی را با وجود تفاوت‌های بین‌فرهنگی در سبک‌های فرزندپروری و رفتارهای اجتماعی نشان داده‌اند. با این وجود، اطلاعات در مورد رابطه شیوه‌های والدگری ادراک شده و تصورات قالبی جنسیتی تا حدودی مبهم است و اطلاعات اندکی در مورد نقش تحول هویت و تأثیر آن در این حوزه وجود دارد. با توجه به این نکته که شکل‌گیری هویت جوان و نوجوان از بافتار فرهنگی، نژادی و اقتصادی هر جامعه‌ای متأثر است و عملکرد روان‌شناختی سازگار را تقویت می‌سازد، می‌توان گفت که ساختار زمینه‌ای هر جمع، بر رفتارهای تک تک افراد اثرگذار است و از آنجایی که ایران خانه بسیاری از فرهنگ‌ها و قومیت‌هاست، پژوهش حاضر با هدف شفاف‌سازی نقش میانجی‌گری سبک‌های هویت در این رابطه انجام شد. بنابراین، مساله اساسی پژوهش این بود که آیا بین شیوه‌های والدگری ادراک شده و تصورات قالبی مربوط به جنس با میانجی‌گری سبک‌های هویت در دانشجویان تحصیلات تکمیلی رابطه وجود دارد.

روش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف جزء پژوهش‌های کاربردی بود. همچنین از نظر شیوه گردآوری داده‌ها طرحی توصیفی-همبستگی و مبتنی بر تحلیل مسیر بود. در واقع در این روش، رابطه‌های علی متغیرهای پژوهش مطالعه شد. متغیر برون زاد در این پژوهش والدگری ادراک شده، متغیر واسطه‌ای (وابسته میانی) سبک‌های هویت و متغیر درون‌زاد (وابسته اصلی) تصورات قالبی جنسیتی بود. جامعه آماری پژوهش کلیه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه تبریز در طیف سنی 20 الی 55 سال در سال 1402 بودند. از این جامعه نمونه‌ای به حجم 213 نفر براساس فرمول کلاین (2023) و به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. افراد حاضر در این پژوهش در یک نظرسنجی با استفاده از پرسش‌نامه مداد کاغذی شرکت کردند. پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، اطلاعات شرکت‌کنندگانی که به دلیل عدم پاسخدهی درست قابل بررسی نبودند از تحلیل خارج شد و از اطلاعات 206 نفر جهت تحلیل داده‌ها استفاده شد. ملاک‌های ورود به پژوهش تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری، عدم مشاهده مشکلات روان‌شناختی حاد و تمایل آگاهانه برای پر کردن پرسش‌نامه و ملاک خروج شرکت‌کنندگان نیز پاسخگویی غلط، انصراف از ادامه، عدم تمایل به پاسخدهی، مخدوش کردن پرسش‌نامه و اضافه کردن اطلاعات غیرضروری بود. در این پژوهش، محرمانه ماندن اطلاعات افراد و عدم وجود هیچ پاسخ صحیح و غلطی به آن‌ها توضیح داده شد و تمامی افراد داوطلبانه و بدون چشم‌داشت مالی در این

1. Jimoh
2. Kealy
3. Gralewski
4. Fearon
5. Lian

فرایند پژوهشی شرکت کردند. در این مطالعه از پرسش‌نامه‌های اقتدار والدینی، پرسش‌نامه تصورات قالبی جنسیتی و پرسش‌نامه سبک‌های هویت استفاده شد. برای تحلیل اطلاعات توصیفی و همبستگی داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS26 و تحلیل مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم از AMOS24 و روش تحلیل مسیر استفاده شد.

ابزارهای پژوهش

الف) پرسش‌نامه اقتدار والدین¹ (PAQ): این پرسش‌نامه از سوی جان بوری² در سال 1991 ساخته شده است که شامل 30 سوال است. این پرسش‌نامه 3 زیرمقیاس والدگری سهل‌گیر، والدگری مستبدانه و والدگری مقتدر منطقی دارد و هر کدام از آن‌ها دارای 10 سوال است که جهت سنجش اقتدار والدگری استفاده می‌شود. در این ابزار حداقل نمره ممکن در هر یک زیرمقیاس 10 و حداکثر نمره فرد 50 می‌شود. برگه‌های پدر و مادر به‌جز با اشاره‌های اختصاصی به واژه پدر و مادر یکسان است. نمره‌گذاری نیز به‌صورت طیف لیکرت 5 درجه‌ای انجام می‌شود که برای گزینه‌های «شدیداً مخالف»، «مخالف»، «بی‌تفاوت»، «موافق» و «شدیداً موافق» به ترتیب امتیازهای 1، 2، 3، 4 و 5 تنظیم شده. بوری آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه را برای سبک مقتدر-منطقی 0/85، سبک مستبدانه 0/87 و سهل‌گیر 0/74 گزارش کرده است (بوری، 1991). در ایران آلفای کرونباخ این مقیاس را برای سبک مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیر به ترتیب 0/89، 0/95 و 0/84 گزارش کردند (اژه‌ای و همکاران، 1390). همچنین ضریب همسانی درونی در داده‌های این تحقیق به روش امگا مکدونالد در سبک مقتدرانه 0/81، سبک مستبدانه 0/87 و سبک سهل‌گیر 0/61 به‌دست آمد که در بازه مناسب و قابل قبولی قرار دارند.

ب) پرسش‌نامه سبک‌های هویت³ (ISI): این پرسش‌نامه به منظور اندازه‌گیری فرآیندهایی که افراد برای کسب هویت طی می‌کنند، از سوی برزونسکی در سال 1989 ساخته شده و در سال 1992 مورد تجدید نظر قرار گرفته است. این ابزار یک پرسش‌نامه خود گزارشی 40 عبارتی است که از 4 زیرمقیاس تشکیل شده است و شامل جهت‌گیری اطلاعاتی⁴، جهت‌گیری هنجاری⁵، جهت‌گیری سردرگم-اجتنابی⁶ و تعهد است. در این پرسش‌نامه 11 سوال مربوط به مقیاس اطلاعاتی، 9 سوال مربوط به مقیاس هنجاری، 10 سوال مربوط به مقیاس سردرگم-اجتنابی و 10 سوال دیگر مربوط به مقیاس تعهد است که برای تحلیل‌های ثانویه استفاده می‌شود و یک سبک هویتی محسوب نمی‌شود. نمره‌گذاری در این آزمون به صورت طیف لیکرت 5 نمره‌ای است. روایی این مقیاس از طریق ارزیابی همبستگی با مقیاس وضعیت هویت بنیون و آدامز تأیید شده است. ضریب کل این آزمون در پژوهش بیرامی 0/87 به دست آمده است. روایی آزمون به روش همگرا و واگرا در زیرمقیاس‌ها به ترتیب 0/93 و 0/76 است. همسانی درونی پرسش‌نامه در این پژوهش 0/91 گزارش شده است (بیرامی، 1389). همچنین ضریب همسانی درونی در داده‌های این تحقیق به روش امگا مکدونالد در سبک هویت اطلاعاتی 0/67، سبک هویت هنجاری 0/58 و سبک هویت سردرگم اجتنابی نیز 0/65 محاسبه شد.

ج) پرسش‌نامه مقاومت در برابر کلیشه‌های جنسیتی: این ابزار برای اولین بار از سوی رسول زاده اقدم و همکاران (1395) به منظور سنجش مقاومت در برابر کلیشه‌های جنسیتی طراحی و تدوین شده است. این ابزار دارای 15 سوال و یک مولفه با نمره نهایی استفاده از تصورات قالبی جنسیتی است که بر اساس طیف لیکرت، از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم به نمره‌گذاری پرسش‌نامه به صورت طیف لیکرت 5 درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. همچنین برای گزینه‌های «کاملاً مخالفم»، «مخالف»، «بی

1. Parenting Authority Questionnaire
2. John Buri
5. Identity Styles Inventory
6. Informational
7. Normative
8. Diffuse-Avoidant

تفاوت، «ممتنع» و «کاملاً موافق» به ترتیب امتیازات 1، 2، 3، 4 و 5 در نظر گرفته شده است که به سنجش مقاومت در برابر کلیشه‌های جنسیتی می‌پردازد. هر چه نمره حاصل شده از این پرسش‌نامه بالاتر باشد، نشان‌دهنده میزان استفاده بیشتر کلیشه‌های جنسیتی در زندگی فرد خواهد بود و برعکس، هر چه نمره حاصل شده فرد در این پرسش‌نامه پایین‌تر باشد، نشان‌دهنده میزان استفاده کمتری از کلیشه‌های جنسیتی در زندگی فرد خواهد بود. در پژوهش رسول زاده اقدم و همکاران (1395) روایی محتوایی، صوری و ملاکی این پرسش‌نامه به صورت مناسب ارزیابی شده است. همچنین ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای این پرسش‌نامه بالای 0/78 برآورد شده است. ضریب همسانی درونی این مقیاس به روش امگا مک‌دونالد در داده‌های این پژوهش 0/89 به دست آمد.

یافته‌ها

نمونه مورد مطالعه شامل 206 نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز در سال 1402 بود. از این تعداد 91 نفر مرد (با میانگین سنی 23/1) و 115 نفر زن (با میانگین سنی 25/61) بودند. همچنین 26 نفر از زنان در مقطع دکتری و 89 نفر در مقطع کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل به تحصیل بودند. در بین مردان نیز 11 نفر در مقطع دکتری و 80 نفر در مقطع کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل بودند. شرکت‌کنندگان ساکن شهر تبریز و دانشجوی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی و دانشکده ادبیات بودند. جدول 1 آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول 1. آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه

متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	تحمل	عامل تورم واریانس	دوربین - واتسون
سهل‌گیر	25/35	4/42	-0/05	-0/31	0/75	1/33	
مستبدانه	27/86	8/16	0/32	-0/76	0/74	1/34	
مقتدر-منطقی	32/88	6/56	-0/27	0/32	0/63	1/59	
سبک هویت اطلاعاتی	39/47	5/36	-0/90	0/37	0/81	1/24	
سبک هویت هنجاری	28/48	4/95	0/19	0/47	0/83	1/20	
سبک هویت سردرگم-اجتنابی	26/92	5/26	0/20	-0/34	0/90	1/11	
تصورات قالبی جنسیتی	29/44	9/71	0/97	0/38			1/80

مندرجات جدول 1 آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. از آنجایی که شاخص چولگی در دامنه $3 \pm$ و شاخص کشیدگی در دامنه $10 \pm$ قرار دارد، شاخص‌های چولگی و کشیدگی گزارش شده در جدول بالا حاکی از توزیع نرمال داده‌ها در تمام متغیرهای پژوهش است. در زمینه برقراری مفروضه عدم هم‌خطی چندگانه متغیرها نیز می‌توان گفت، از آنجایی که شاخص تحمل در تمامی متغیرها از مقدار بحرانی 0/5 بزرگتر و عامل تورم واریانس متغیرها از مقدار بحرانی 2 کوچکتر است، مفروضه عدم هم‌خطی چندگانه متغیرها برقرار است. همچنین از طرفی با توجه به اینکه آماره آزمون دوربین-واتسون برای تصورات قالبی جنسیتی از دو حد بحرانی (1/5 - 2/5) عبور نکرده، مفروضه استقلال منابع خطا نیز محقق شده است؛ پس می‌توان برای تحلیل داده‌های پژوهش از روش تحلیل مسیر استفاده کرد. با این حال پیش از استفاده از این روش ابتدا به جدول ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش اشاره خواهد شد.

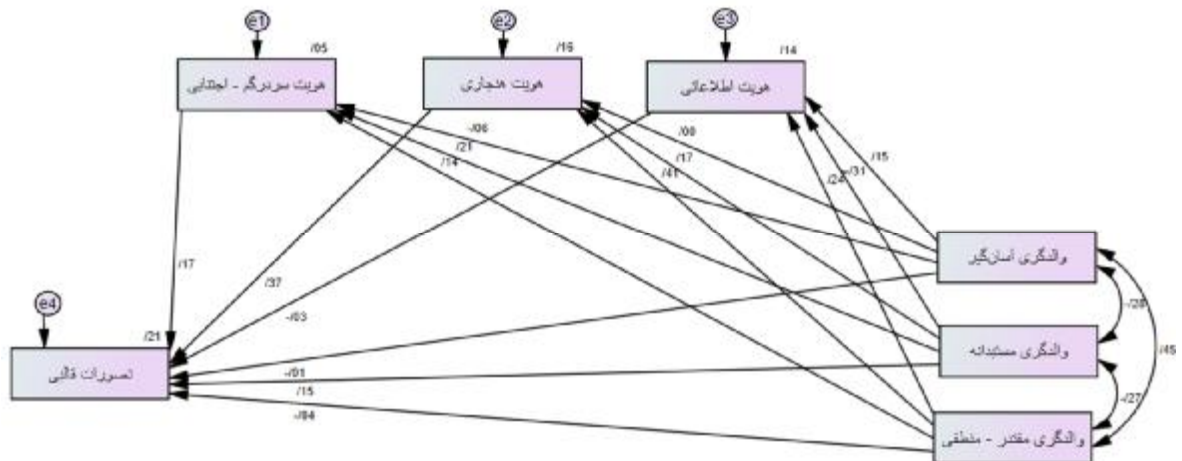
جدول 2. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	1	2	3	4	5	6	7	8	9
سهل‌گیر	1								
مستبدانه	-0/28**	1							
مقتدر-منطقی	0/45**	-0/27**	1						
سبک هویت اطلاعاتی	0/17**	-0/20**	0/22**	1					
سبک هویت هنجاری	0/14*	0/06	0/37**	0/21**	1				
سبک هویت سردرگم-اجتنابی	-0/05	0/18**	0/06	-0/15**	0/02	1			
تصورات قالبی جنسیتی	-0/03	0/22**	0/05	0/04	0/36**	0/21**	-0/07	-0/13	1

** : $p < 0.01$ * : $p < 0.05$

همان‌طور که در جدول 2 مشاهده می‌شود، رابطه سبک والدگری ادراک شده سهل‌گیر با سبک‌های هویت اطلاعاتی ($r=0/17$) و هنجاری ($p < 0/05$, $r=0/14$) مثبت و از نظر آماری معنادار است. از طرفی رابطه سبک والدگری ادراک شده مستبدانه با سبک‌های هویت اطلاعاتی ($p < 0/01$, $r=-0/20$) و سردرگم-اجتنابی ($p < 0/01$, $r=0/18$) و همچنین با تصورات قالبی ($p < 0/01$, $r=0/22$) مثبت و از نظر آماری معنادار است. همچنین رابطه سبک والدگری ادراک شده مقتدر-منطقی با سبک‌های هویت اطلاعاتی ($p < 0/01$, $r=0/22$) و هنجاری ($p < 0/01$, $r=0/37$) نیز مثبت و از نظر آماری معنادار است. علاوه بر این رابطه سبک هویت هنجاری با تصورات قالبی ($p < 0/01$, $r=0/36$) و همچنین رابطه سبک هویت سردرگم-اجتنابی با تصورات قالبی ($p < 0/01$, $r=0/21$) مثبت و معنادار است.

با توجه به نتایج ماتریس همبستگی و در راستای بررسی رابطه بین سبک‌های والدگری ادراک شده با تصورات قالبی جنسیتی و با میانجی‌گری سبک‌های هویت از روش تحلیل مسیر استفاده شد. شکل 1 مدل مفهومی پژوهش را به همراه ضرایب استاندارد به تصویر می‌کشد.



شکل 1. مسیر علی روابط بین متغیرهای پژوهش

در جدول 3 شاخص‌های برازش مربوط به مدل پژوهش ارائه شده است.

جدول 3. شاخص‌های برازش مدل

شاخص	X ² RMSEA	df	DFX ² /	P	GFI	AGFI	CFI	NFI	IFI
مدل	0/13	3	4/39	0/004	0/98	0/83	0/95	0/94	0/95
بازه قابل قبول	<0/08	-	<5	>0/01	>0/90	>0/80	>0/90	>0/90	>0/90

شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری که در جدول 3 ارائه شده است، شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری که در جدول 3 ارائه شده است، برازش نسبتاً مناسب این مدل را نشان می‌دهد؛ چراکه مقادیر شاخص‌های نیکویی برازش (GFI)، نیکویی برازش اصلاح‌شده (AGFI)، نیکویی برازش افزایشی (IFI)، نیکویی برازش هنجار شده (NFI) و برازش تطبیقی (CFI) همگی در حد مطلوب قرار دارند. نسبت کای اسکور بر درجه آزادی (x²/df) نیز در سطح نسبتاً مطلوب (کمتر از 5) قرار دارد. با این حال مقدار شاخص ریشه میانگین مجزورات خطای تقریبی (RMSEA) در سطح مطلوب قرار ندارد؛ چراکه مقدار محاسبه شده (0/13) بیشتر از حد بحرانی (0/08) است، در نتیجه می‌توان گفت اقتصاد مدل رعایت نشده است.

در جدول 4 نتایج مربوط به اثرات مستقیم متغیرهای برون‌زا در متغیرهای درون‌زا ارائه شده است.

جدول 4. برآورد ضرایب اثرات مستقیم متغیرهای برون‌زا در متغیرهای درون‌زا

متغیر برون‌زا	متغیر درون‌زا	β	B	T (C.R)	P
والدگری سهل‌گیر	سبک هویت اطلاعاتی	0/15	0/18	2/00	0/046
والدگری سهل‌گیر	سبک هویت هنجاری	0/00	0/01	0/06	0/949
والدگری سهل‌گیر	سبک هویت سردرگم-اجتنابی	-0/06	-0/07	-0/71	0/476
والدگری مستبدانه	سبک هویت اطلاعاتی	-0/31	-0/20	-4/46	0/000
والدگری مستبدانه	سبک هویت هنجاری	0/17	0/11	2/54	0/011
والدگری مستبدانه	سبک هویت سردرگم-اجتنابی	0/21	0/13	2/88	0/004
والدگری مقتدر-منطقی	سبک هویت اطلاعاتی	0/24	0/20	3/27	0/001
والدگری مقتدر-منطقی	سبک هویت هنجاری	0/41	0/31	5/64	0/000
والدگری مقتدر-منطقی	سبک هویت سردرگم-اجتنابی	0/14	0/11	1/84	0/065
والدگری سهل‌گیر	تصورات قالبی	-0/01	-0/02	-0/13	0/894
والدگری مستبدانه	تصورات قالبی	0/15	0/18	2/16	0/031
والدگری مقتدر-منطقی	تصورات قالبی	-0/04	-0/06	-0/55	0/583
سبک هویت اطلاعاتی	تصورات قالبی	-0/03	-0/06	-0/46	0/645
سبک هویت هنجاری	تصورات قالبی	0/37	0/73	5/51	0/000
سبک هویت سردرگم-اجتنابی	تصورات قالبی	0/17	0/31	2/65	0/008

مندرجات جدول 4 نشان می‌دهد سبک‌های والدگری ادراک شده سهل‌گیر، مستبدانه و مقتدر-منطقی به ترتیب با ضرایب بتای استاندارد 0/15، -0/31 و 0/24 بر سبک هویت اطلاعاتی اثر مستقیم و معنادار دارند. از طرفی اثر مستقیم سبک‌های والدگری ادراک شده مستبدانه و مقتدر-منطقی با ضرایب استاندارد 0/17 و 0/41 بر سبک هویت هنجاری مثبت و معنادار است. همچنین اثر مستقیم سبک والدگری ادراک شده مستبدانه بر سبک هویت سردرگم-اجتنابی با ضریب بتای استاندارد 0/21 نیز مثبت و معنادار است؛ درحالی‌که اثر مستقیم سبک والدگری ادراک شده سهل‌گیر بر سبک هویت هنجاری و همچنین اثر مستقیم سبک‌های والدگری ادراک شده سهل‌گیر و مقتدر-منطقی بر سبک هویت سردرگم-اجتنابی معنادار نیست. علاوه بر این سبک

والدگری ادراک شده مستبدانه و سبک‌های هویت هنجاری و سردرگم-اجتنابی به ترتیب با ضرایب بتای استاندارد 0/15، 0/37 و 0/17 بر تصورات قالبی جنسیتی اثر مستقیم مثبت و معنادار دارند. در ادامه به منظور بررسی نقش میانجی سبک‌های هویت در رابطه بین سبک‌های والدگری ادراک شده با تصورات قالبی جنسیتی از آزمون بوت استراپ استفاده شد که نتایج مربوط به این آزمون در جدول 5 ارائه شده است.

جدول 5. اثرات غیرمستقیم با استفاده از روش بوت استراپ

P	مقدار اثر	حدود بوت استراپ		متغیر وابسته	متغیر میانجی	متغیر مستقل
		حد بالا	حد پایین			
0/702	-0/006	0/016	-0/024	تصورات قالبی	سبک هویت اطلاعاتی	والدگری سهل گیر
0/699	-0/011	0/030	-0/045	تصورات قالبی	سبک هویت اطلاعاتی	والدگری مستبدانه
0/695	-0/009	0/024	-0/037	تصورات قالبی	سبک هویت اطلاعاتی	والدگری مقتدر-منطقی
0/001	0/053	0/084	0/028	تصورات قالبی	سبک هویت هنجاری	والدگری سهل گیر
0/001	0/098	0/159	0/053	تصورات قالبی	سبک هویت هنجاری	والدگری مستبدانه
0/001	0/079	0/128	0/042	تصورات قالبی	سبک هویت هنجاری	والدگری مقتدر-منطقی
0/016	0/011	0/027	0/003	تصورات قالبی	سبک هویت سردرگم-اجتنابی	والدگری سهل گیر
0/015	0/021	0/050	0/005	تصورات قالبی	سبک هویت سردرگم-اجتنابی	والدگری مستبدانه
0/015	0/017	0/040	0/004	تصورات قالبی	سبک هویت سردرگم-اجتنابی	والدگری مقتدر-منطقی

نتایج جدول 5 نشان می‌دهد اثرات غیرمستقیم سبک‌های والدگری ادراک شده بر تصورات قالبی جنسیتی به واسطه سبک هویت هنجاری مثبت و معنی دار است ($p < 0/01$). همچنین اثرات غیرمستقیم سبک‌های والدگری ادراک شده بر تصورات قالبی جنسیتی به واسطه سبک هویت سردرگم-اجتنابی نیز مثبت و معنادار است ($p < 0/05$)؛ با این حال اثرات غیرمستقیم سبک‌های والدگری ادراک شده بر تصورات قالبی جنسیتی به واسطه سبک هویت اطلاعاتی معنادار نیست ($p > 0/05$). بنابراین می‌توان گفت سبک‌های هویت هنجاری و سردرگم-اجتنابی به طور مثبت رابطه بین سبک‌های والدگری ادراک شده با تصورات قالبی جنسیتی را میانجی‌گری می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، بررسی رابطه شیوه‌های والدگری ادراک شده و تصورات قالبی جنسیتی با نقش میانجی سبک‌های هویت در دانشجویان بود. نتایج کلی پژوهش حاضر بیانگر این بود که سبک‌های هویت هنجاری و سردرگم-اجتنابی به طور مثبت رابطه بین سبک‌های والدگری ادراک شده با تصورات قالبی جنسیتی را میانجی‌گری می‌کنند.

اولین نتیجه نشان داد که وجود والدگری سهل‌گیر به طور معنی داری با سبک هویت اطلاعاتی دانشجویان در مقاطع عالی رابطه دارند. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت آزادی عمل در قالبی ناشی از سهل‌انگاری والدین ممکن است همیشه منجر به تحول هویت به شکلی ناسازگار نشود یا به شکل ناسازگار نماند. افراد با سطوح تحصیلی بالا و آزمون و خطاهای متعدد در معرض اطلاعات بیشتری قرار می‌گیرند و انسجام هویت آن‌ها به شکل کسب شده -هرچند در سنین بالا- ظاهر می‌شود. همان‌طور که اریکسون (1968)، گسترش صنعتی شدن جوامع را از دلایل طولانی شدن دوره نوجوانی و به تعویق فرآیند هویت‌یابی می‌داند،

فعالیت‌های دانشگاهی در درجات عالی و روابط با اساتید می‌تواند در اصلاح یا تغییر عوامل موثر در پردازش هویت نقش داشته باشد. این نتیجه با مطالعات کیرک و لیپوسکامب، (2019) همسو است.

همچنین نتایج مطالعه نشان داد که سبک والدگری مستبدانه به طور منفی با سبک هویت اطلاعاتی و به صورت مثبت و معنی داری با سبک هویت هنجاری و سردرگم-اجتنابی رابطه دارد. والدینی که تمایل دارند فرزندانشان به دقت دستورات آن‌ها را اجرا کنند و به جای آن‌ها تصمیم می‌گیرند، تحول هویت فرزندان را مختل می‌کنند. والدین مستبد معمولاً از فرزندان خود انتظار دارند که به تمام درخواست‌های آنها پاسخ دهند و تنها راه درست را که مسیر والدین است دنبال کنند. این جهت دادن ممکن است منجر به کاهش خلاقیت و قدرت تصمیم‌گیری در فرزندان شود و آنها را از بخشیدن خود، دیگران و تجربه خطا منع کند. نتایج نشان دادند افراد با این والدین که نمی‌توانند هویتشان را کسب کنند؛ والدین را به شکل تمام و کمال درونی می‌کنند و به هویت هنجاری دست می‌یابند یا همواره از ابهامات اجتناب می‌ورزند و در سردرگمی نقش به سر می‌برند. آن‌ها ممکن است مشکلات در برقراری ارتباط با دیگران داشته باشند و در مواجهه با مسائل میان‌فردی و اجتماعی دچار مشکل شوند. یافته‌های پژوهش با نتیجه‌های فیرون و همکاران (2013)، لیان و همکاران (2021)، جیمو و همکاران (2020) و کلی و همکاران (2020) همسو است.

همچنین یافته بعدی نشان داد که والدگری مقتدرانه و منطقی با سبک هویتی اطلاعاتی و هنجاری رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. این یافته همسو با نتایج پژوهش عباسپور و همکاران (1394)، اسمیتس¹ و همکاران (2008)، کلی و همکاران (2020) و گروالوسکی و جانکوسکا، (2020) است. وابدین با این الگو می‌توانند به فرزندان اعتماد به نفس، احساس ارزشمندی و توانایی حل مسائل را القا کنند. برقراری رابطه‌ای منطقی و با اقتدار با فرزندان در سطحی که تبدیل به سخت‌گیری نشود، می‌تواند باعث تحول یک هویت کسب شده سالم باشد؛ اما زمانی که اقتدار و رفتار، بودن زمینه منطقی باشد یا منشا هیجانی داشته باشد امکان دارد باعث درونی سازی ویژگی‌های نماد قدرت والدین در کودکی و نمادهای اجتماع در سنین آینده شود و به شکل‌گیری هویت هنجاری بیانجامد. دانشجویان با هویت اطلاعاتی از نظر شناختی عوامل سازنده خود را چه به شکل کسب شده چه به شکل الگوبرداری همواره در دسترس می‌بینند و می‌توانند در برابر چالش‌های محیط انعطاف‌پذیری بیشتری نشان دهند. ولی کارکرد هویت هنجاری در پردازش عوامل بدیع نقص دارد و این افراد سعی در قالب دادن پاسخ مشابه یا یکسان به بسیاری از عوامل دارند. یافته حاضر نشان دهنده مرز باریکی بین والدگری مقتدر منطقی و والدگری مستبدانه است. لذا می‌توان گفت برای تحقق و توسعه سالم هویت فرزندان، لازم است تا با توجه به نیازها و مشکلات آن‌ها، به طور هوشمندانه و با تعامل مناسب عمل شود. یکی دیگر از یافته‌های این تحقیق نشان داد که سبک والدگری مستبدانه با استفاده از تصورات قالبی جنسیتی در زندگی فرزندان رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. والدین مستبد ممکن است فرزندان خود را با احکامی کلی تربیت کنند، از فرزندانشان بخواهند که با افراد دیگر از نژاد یا جنس مخالف خود فاصله بگیرند و یا حکم به عدم تعامل با افراد مختلف کنند. همچنین، آن‌ها ممکن است از فرزندان خود بخواهند همانگونه که افکار و عقاید خود را بر فرزندانشان تحمیل کردند، باورهای خود را بر دیگران تحمیل کنند و از دیگران انتظار داشته باشند که به دقت دستورات و تصمیمات جبری را اجرا کنند. این نوع از تربیت ممکن است منجر به افزایش رفتارهای نژادپرستی و زن/مردستیزی شود از تعامل مثبت با جامعه و جهان بیرون محروم کند. از نگاهی دیگر ممکن است استبداد تربیتی به شکل‌گیری کلیشه‌های جنسیتی ناعادلانه و محدود کننده در ذهن فرزندان منتهی شود و زندگی شخصی آن‌ها را به خاطر پسر یا دختر بودن تحت تاثیر قرار دهد؛ در نتیجه این سوگیری جنسیتی باعث نمایان شدن بدفهمی‌هایی نظیر دست کم گرفتن خود یا همیشه برحق بودن در ذهن فرد شود. یافته‌های این تحقیق هم‌راستا با یافته‌های دوی (2019)، وو و همکاران (2021)، پیرک و همکاران (2023) و لوک و همکاران (2016) است.

از یافته‌های دیگر این پژوهش می‌توان به این اشاره کرد که سبک هویت هنجاری و سردرگم-اجتنابی با سطوح بالایی از استفاده از تصورات قالبی جنسیتی رابطه مثبت و معنی داری دارد. از ویژگی‌های مهم سبک هویت هنجاری و سردرگم-اجتنابی، عدم توانایی پذیرش و انعطاف مقابل طیف گسترده پدیده‌ها و برخورد ناسازگارانه در مواجهه با وقایع روزمره است (برزونسکی، 2022). این افراد نمی‌توانند با تفکرات مدرنیته سازگار شوند، در روابط بین فردی نگاه متعصبانه دارند و رفتارهای کلیشه‌ای انجام می‌دهند. برخی افراد به دلیل ترس از تغییر و ناشناخته بودن، به کلیشه‌های جنسیتی روی می‌آورند. زندگی هنجاری معمولاً از آن‌ها می‌خواهد که در چارچوب‌ها و الگوهای شناخته شده قبلی عمل کنند و این می‌تواند باعث ایجاد وابستگی به کلیشه‌های جنسیتی شود. همچنین برخی افراد به دلیل نداشتن اطلاعات کافی درباره تنوع و پیچیدگی‌های جنسیتی، به تصورات قالبی جنسیتی روی می‌آورند. عدم آگاهی درباره تمام ابعاد و آثار جنسیت و نقش‌های متنوع مرد و زن می‌تواند منجر به تمسخر و تحقیر نقش‌های غیرمعمول شود. در نتیجه استفاده از کلیشه‌های جنسیتی می‌تواند به تعمیم‌های ناعادلانه، تبعیض جنسیتی و محدود کردن آزادی‌های فردی منجر شود. این یافته همسویی زیادی با نتایج تحقیقات سانکو و لوس (2019)، راجاگوپالردی و وارگس (2022) و اسمیتس و همکاران (2011) دارد.

و در نهایت سبک‌های والدگری با میانجی‌گری سبک هویت هنجاری و سردرگم-اجتنابی با میزان استفاده از تصورات قالبی جنسیتی رابطه مثبت و معنی داری داشت. مشاهده شد که سبک والدگری نقش پررنگی در شناخت اجتماعی انسان دارد. این تاثیر با وجود هویتی هنجاری و سردرگم مستحکم‌تر و دوچندان هم می‌شود. والدگری می‌تواند به واسطه شکل‌گیری هویت کامل در افراد به اصلاح تصورات قالبی جنسیتی کمک کند. در این رابطه، باید توجه داشت که هویت اطلاعاتی باعث قرارگرفتن انسان در معرض جهان‌بینی‌های مختلف می‌شود و ممکن است پاسخ‌های خود را به واسطه پردازش‌های شناختی مختلف به چالش بکشند و نهایتاً به نگرش نوینی نسبت به قبل برسند.

انتخاب مقاطع تحصیلات تکمیلی به عنوان جامعه آماری و استفاده از پرسش‌نامه جهت گردآوری داده‌ها محدودیت‌های اصلی این پژوهش بودند که در این راستا پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های دیگری با جامعه آماری شامل همه مقاطع و ابزارهای دیگر انجام شود. در حوزه کاربردی مبتنی بر نتایج پیشنهاد می‌شود که متولیان درگیر در حوزه تحول روانی اجتماعی نوجوان و جوان علی‌الخصوص بنیاد خانواده، تاثیر جهت‌گیری‌های ناشی از هنجارهای حاکم دقت عملی لازم را منظور نمایند.

تقدیر و تشکر

از تمامی عزیزانی که در اجرای این پژوهش همکاری داشتند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود. هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

منابع

- اژه‌ای، جواد، غلامعلی لواسانی، مسعود، مال احمدی، احسان، و خضری آذر، همین. (1390). الگوی علی روابط بین سبک‌های فرزندپروری ادراک شده، اهداف پیشرفت، خودکارآمدی و موفقیت تحصیلی. مجله روانشناسی، 15(3) (پیاپی 59)، 284-301.
- افشاری، آرزو. (1400). پیش‌بینی مشکلات تنظیم هیجانی مادران حاشیه‌نشین شهر تهران بر اساس سبک‌های دلبستگی آنان. پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی 10 (38) 117-134. <https://doi.org/10.22034/spr.2020.114698>.
- باسیتی، شهرام، محتشمی، محمدهادی. (1400). اثر ابعاد شناختی و رفتاری اضطراب اجتماعی بر استفاده آسیب‌زا از اینترنت با میانجی‌گری نقش‌های جنسیتی. پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، 11 (43)، 167-186. <https://doi.org/10.22034/spr.2021.304862.1682>.
- بیرامی، منصور. (1389). مقایسه سبک‌های هویت، انواع هویت در دانشجویان دختر و پسر. فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی، 5 (20)، 39-21. https://psychologyj.tabrizu.ac.ir/article_4178.html.

- رسول زاده اقدم، صمد؛ عدلی پور، صمد و کوهی، خدیجه. (1395). تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی با هویت بازان‌دیشانه، فصلنامه توسعه اجتماعی، 122-95: (2)11.
- محربی، زهرا، هاشمیان فر، سید علی و حجازی، سید ناصر. (1402). فراتحلیل تاثیر میزان و نوع استفاده از فضای مجازی بر هویت و ارزش‌های خانواده. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی 13(51) 47-60 <https://doi.org/10.22034/spr.2024.406008.1845>
- Abbaspour, Z., Farrokhi, N. A., & Ali, A. B. (2015). Explaining the Relationship between Parenting Styles, Identity Styles and Spiritual Health in Adolescents. *European Online Journal of Natural and Social Sciences*, 4(3), 450. <https://core.ac.uk/download/pdf/296307387.pdf>
- Baumrind, D. (1967). Child care practices anteceding three patterns of preschool behavior. *Genetic psychology monographs*. <https://psycnet.apa.org/record/1967-05780-001>
- Berzonsky, M. D., & Kuk, L. (2022). Identity styles and college adaptation: the mediational roles of commitment, self-agency and self-regulation. *Identity*, 22(4), 310-325. <https://doi.org/10.1080/15283488.2021.1979552>
- Bordalo, P., Coffman, K., Gennaioli, N., & Shleifer, A. (2016). Stereotypes. *The Quarterly Journal of Economics*, 131(4), 1753-1794 <https://doi.org/10.1093/qje/qjw029>
- Buri, J. R. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of personality assessment*, 57(1), 110-119. https://doi.org/10.1207/s15327752jpa5701_13
- Dai, A., Li, D., Zhu, H., & Zhang, Z. (2022). How do Teachers' Gender Stereotypes Impact Students?. In 2021 International Conference on Education, Language and Art (ICELA 2021) (pp. 728-733). Atlantis Press. <https://doi.org/10.2991/assehr.k.220131.133>
- Devi, P. (2019). Parenting styles and family environment as predictors of aggression. *IAHRW International Journal of Social Sciences Review*, 7(5) Escamilla, S., & Saasa, S. (2020). Gendered patterns in depression and anxiety among african immigrants in the United States. *Journal of Evidence-Based Social Work*, 17(4), 392-405. <https://www.proquest.com/openview/7cb6b643d567a17f2d83efe87a8bb332/1?pq-origsite=gscholar&cbl=5347679>
- Dong, S., Dong, Q., & Chen, H. (2022). Mothers' parenting stress, depression, marital conflict, and marital satisfaction: The moderating effect of fathers' empathy tendency. *Journal of affective disorders*, 299, 682-690 <https://doi.org/10.1016/j.jad.2021.12.079>
- Erikson, E. H. (1968). Identity youth and crisis (No. 7). WW Norton & company.
- Escamilla, S., & Saasa, S. (2020). Gendered patterns in depression and anxiety among african immigrants in the United States. *Journal of Evidence-Based Social Work*, 17(4), 392-405 <https://doi.org/10.1080/26408066.2020.1748153>
- Fearon, D. D., Copeland, D., & Saxon, T. F. (2013). The relationship between parenting styles and creativity in a sample of Jamaican children. *Creativity research journal*, 25(1), 119-128 <https://doi.org/10.1080/10400419.2013.752287>
- Gralowski, J., & Jankowska, D. M. (2020). Do parenting styles matter? Perceived dimensions of parenting styles, creative abilities and creative self-beliefs in adolescents. *Thinking skills and creativity*, 38, 100709 <https://doi.org/10.1016/j.tsc.2020.100709>
- Hasanah, E., Zamroni, Z., Dardiri, A., Indartono, S., & Supardi, S. (2018). Literature Review of Parenting Style to Support the Development of Adolescent Identity. *Asian Social Science*, 14(6), 157. <https://doi.org/10.5539/ass.v14n6p157>
- Hentschel, T., Braun, S., Peus, C., & Frey, D. (2018). The communality-bonus effect for male transformational leaders—leadership style, gender, and promotability. *European Journal of Work and Organizational Psychology*, 27(1), 112-125 <https://doi.org/10.1080/1359432X.2017.1402759>
- Hentschel, T., Heilman, M. E., & Peus, C. V. (2019). The multiple dimensions of gender stereotypes: A current look at men's and women's characterizations of others and themselves. *Frontiers in psychology*, 11 <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2019.00011>
- Hinton, P. (2017). Implicit stereotypes and the predictive brain: cognition and culture in “biased” person perception. *Palgrave Communications*, 3(1), 1-9 <https://doi.org/10.1057/palcomms.2017.86>
- Jimoh, G. O., Eni-Olorunda, J. T., Adubi, K. O., & Afolabi, W. A. O. (2020). ASSESSMENT OF PARENTING STYLES ON IDENTITY STYLE DEVELOPMENT AMONG STUDENTS IN PUBLIC SENIOR SECONDARY SCHOOLS IN OGUN STATE. *International Journal of Family and Consumer Sciences*, 9, 65-73 <https://www.ijfacs.org/index.php/ijfacs/article/download/28/25>
- Kealy, D., Ben-David, S., & Cox, D. W. (2020). Early parental support and meaning in life among young adults: the mediating roles of optimism and identity. *Current Psychology*, 1-8. <https://doi.org/10.1007/s12144-020-00907-w>
- Kirk, M., & Lipscombe, K. (2019). When a postgraduate student becomes a novice researcher and a supervisor becomes a mentor: A journey of research identity development. *Studying Teacher Education*, 15(2), 179-197 <https://doi.org/10.1080/17425964.2019.1587606>

- Kline, R. B. (2023). Principles and practice of structural equation modeling. Guilford publications. [https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=t2CvEAAAQBAJ&oi=fnd&pg=PP1&dq=Kline,+R.+B.+\(2016\).+Principles+and+practice+of+structural+equation+modeling+\(4th+Ed.\).+Guilford+Publications.&ots=sWRDZ7f-dI&sig=PMLGYCTU4sm30pED2IBtWrZyLGY](https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=t2CvEAAAQBAJ&oi=fnd&pg=PP1&dq=Kline,+R.+B.+(2016).+Principles+and+practice+of+structural+equation+modeling+(4th+Ed.).+Guilford+Publications.&ots=sWRDZ7f-dI&sig=PMLGYCTU4sm30pED2IBtWrZyLGY)
- Kollmayer, M., Schober, B., & Spiel, C. (2018). Gender stereotypes in education: Development, consequences, and interventions. *European Journal of Developmental Psychology*, 15(4), 361-377 <https://doi.org/10.1080/17405629.2016.1193483>
- Lian, C. M., Wu, C. W., & Cheng, C. L. (2021). Associations between Parental Psychological Control and Social Anxiety in Emerging Adulthood: The Mediating Role of Differentiation of Self. *Bulletin of Educational Psychology*, 53(2), 359-382 [https://doi.org/10.6251/BEP.202112_53\(2\).0005](https://doi.org/10.6251/BEP.202112_53(2).0005)
- Luk, J. W., Patock-Peckham, J. A., Medina, M., Terrell, N., Belton, D., & King, K. M. (2016). Bullying perpetration and victimization as externalizing and internalizing pathways: A retrospective study linking parenting styles and self-esteem to depression, alcohol use, and alcohol-related problems. *Substance Use & Misuse*, 51(1), 113-125. <https://doi.org/10.3109/10826084.2015.1090453>
- Nelson, T., Brown, M. J., Garcia-Rodriguez, I., & Moreno, O. (2023). Gendered racism, anxiety, and depression: the mediating roles of gendered racialized stress and social isolation. *Ethnicity & Health*, 28(1), 12-28 <https://doi.org/10.1080/13557858.2021.2002826>
- Pirc, T., Pecjak, S., Podlesek, A., & Štirn, M. (2023). Perceived Parenting Styles and Emotional Control as Predictors of Peer Bullying Involvement. *International Electronic Journal of Elementary Education*, 15(4), 333-342 <https://www.iejee.com/index.php/IEJEE/article/view/1994>
- Priyashantha, K. G., De Alwis, A. C., & Welmilla, I. (2023). Gender stereotypes change outcomes: A systematic literature review. *Journal of Humanities and Applied Social Sciences*, 5(5), 450-466. <https://doi.org/10.1108/JHASS-07-2021-0131>
- Rajagopalreddy, D., & Varghese, K. (2022). Process of identity development and psychological functioning: A critical narrative review for the Indian context. *Indian Journal of Social Psychiatry*, 38(3), 213-220 [doi:10.4103/ijsp.ijsp_202_20](https://doi.org/10.4103/ijsp.ijsp_202_20)
- Senejko, A., & Łoś, Z. (2019). Attitudes toward globalization and identity styles. *Roczniki Psychologiczne*, 19(2), 315-332 <https://doi.org/10.18290/rpsych.2016.19.2-4en>
- Sigre-Leirós, V., Carvalho, J., & Nobre, P. J. (2016). Early parenting styles and sexual offending behavior: A comparative study. *International journal of law and psychiatry*, 46, 103-109 <https://doi.org/10.1016/j.ijlp.2016.02.042>
- Smits, I., Doumen, S., Luyckx, K., Duriez, B., & Goossens, L. (2011). Identity styles and interpersonal behavior in emerging adulthood: The intervening role of empathy. *Social Development*, 20(4), 664-684. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9507.2010.00595.x>
- Smits, I., Soenens, B., Luyckx, K., Duriez, B., Berzonsky, M., & Goossens, L. (2008). Perceived parenting dimensions and identity styles: Exploring the socialization of adolescents' processing of identity-relevant information. *Journal of adolescence*, 31(2), 151-164. <https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2007.08.007>
- Wright, M. F. (2020). The role of technologies, behaviors, gender, and gender stereotype traits in adolescents' cyber aggression. *Journal of interpersonal violence*, 35(7-8), 1719-1738 <https://doi.org/10.1177/0886260517696858>
- Wu, C. W., Chen, W. W., & Jen, C. H. (2021). Emotional intelligence and cognitive flexibility in the relationship between parenting and subjective well-being. *Journal of Adult Development*, 28, 106-115. <https://doi.org/10.1007/s10804-020-09357-x>